

جشن تیرگان

دکتر رضا اشرفزاده*

فاطمه توکلی نژاد*

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

(تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۱۰، تاریخ تصویب: ۸۹/۱۰/۱۴)

چکیده

جشن "تیرگان" از اعیاد بسیار کهن و آیینی مردم ایران است. بررسی "در زمانی" این آیین ما را به سوی نخستین صورت‌های مکتوب آن در کتابهای گذشتگان باز می‌برد، حال آن‌که بررسی "همزمانی" آیین یاد شده بی‌شک با شناخت فرهنگ عامه مردم ایران و جلوه‌های امروزی آن ممکن می‌شود. بر پایه مردم‌نگاری محققان، این آیین در برخی حوزه‌های فرهنگی ایران و خرده فرهنگ‌های آن وجود داشته است و در این میان به ویژه می‌توان به برخی حوزه‌های فرهنگی: گیلان، مازندران، خراسان، کرمان، یزد و نیز زرتشتیان، آشوریان و ارمنیان اشاره کرد. اما متأسفانه برپایی این آیین مانند بخش عمده‌ای از جشن‌های دوازده‌گانه سال خورشیدی در ایران کاستی گرفته است و امروزه از صورت یک جشن ملی در آمده است. اینک در این مقاله سعی بر آن است که تاریخچه و آداب و رسوم این جشن باستانی به یادگار مانده، مورد توجه و بررسی قرار گیرد. به امید این که خوانندگان را به کار آید.

واژه‌های کلیدی:

تیرگان، آرش کمانگیر، تیر و باد، تیشتر، تیرماسیزه شو، باران.

* ۰۵۱۱۶۲۲۰۴۳۲

* ۰۹۱۵۱۲۳۶۶۳۹

جشن تیرگان (تیرماسیزه شو)

در ایران از کهن‌ترین زمان، در هر ماه جشنی - در روزی که به نام آن ماه بود - برگزار می‌شد. از این جشن‌های دوازده گانه، تنها جشن تیرگان، با نام تیرماسیزه شو (شب سیزده تیرماه) هنوز در مازندران برگزار می‌شود. ولی برگزاری جشن‌های دیگری چون فروردین گان، ... به سمت فراموشی سپرده شده است. توضیح آن که انتخاب روزهای جشن بدین شیوه بود که چون در تقویم کهن هر یک از سی روز ماه را نامی است که نام دوازده ماه نیز در شمار آن سی نام است، جشن هر ماه در روزی بود که نامش با نام ماه یکی بود. و نام‌ها متعلق به سی فرشته نگهبان روزها و ماه‌ها است. جشن تیرگان روز سیزدهم ماه تیر (روز تیر) است.

به روز تیر و مه تیر عزم شادی کن که از سپهر تورا فتح و نصرت آمد تیر

(شمس فخری)

افزودن بر یکی بودن نام روز و ماه، مناسبت جشن تیرگان را سال‌روز حماسه معین کردن مرز ایران، با تیراندازی آرش، می‌دانند. (ر.ک. روح الامین، ۹۹/۱۳۷۶)

موفقیت‌ها و پیروزی‌های هر ملت و کشوری نتیجه دلخوشی‌ها و امیدواری‌های آن‌ها به زندگی است. از این رو نیاکان فهیم ما ایرانیان با ژرف نگری که بر اوضاع جهان و روان شناختی افراد بشر داشته‌اند، پیوسته در تلاش زدودن غم از دل و چهره هم‌دیگر بوده‌اند و شادی‌ها را سرچشمه لطف خداوند و کار و تلاش بیشتر برای زندگی و آبادانی کشور و جهان می‌دانستند. در نتیجه سعی در برگزاری هر چه بیشتر و بهتر جشن‌ها در این سرزمین کرده و بدین مناسبت به غیر از جشن‌های شخصی مثل عروسی‌ها و جشن تولد، سالیانه ده‌ها جشن دیگر در کشور برگزار می‌کردند. از جمله این جشن‌ها یکی هم جشن تیرگان است که از ارزش و بنیانی بس سترگ برخوردار بوده و از هزاران سال پیش تاکنون در سرزمین‌های ایرانی نشین و متأثر از فرهنگ ایرانی به اشکال مختلف برگزار می‌شود.

جشن تیرگان در زمان قدیم میان ایرانیان شکوه و جلال زیادی داشته، امروز هم تا اندازه‌ای این رسم در بین زرتشتیان و ملل واقوام ایرانی نژاد به اشکال مختلف برگزار می‌شود.

جشن تیرگان وابسته به فرشته تیر و ستاره تیر است و دلایل بزرگداشت این جشن را آن چنان که در متون تاریخی بیان شده؛ یادآور می‌شویم:

افسانه‌های تیرگان

مجموعه آثار کهنی که در آنها به "تیرگان" اشاره رفته است، بیان اسطوره و افسانه‌هایی در چگونگی پیدایش آیین مزبور همراه است. در کتاب "زین الاخبار" به پرتاب تیر آرش و معین شدن مرز ایران و توران و رهایی مردم از محاصره افراسیاب و برپایی جشن مغان به خاطر این پیروزی اشاره می‌رود. (ر.ک. روح الامین، ۱۳۷۶/۱۰۰) در "التفهیم" نیز ابوریحان بیرونی همین علت را برای به وجود آمدن و برپایی جشن تیرگان برمی‌شمرد و داستان پرتاب تیر از سوی آرش را بیان می‌کند. (ر.ک. بیرونی، ۱۳۷۵/۲۵۴) او علت را در آثار الباقیه "نیز متذکر می‌شود:

"خداوند باد را امر کرد که تیر او (آرش) را از کوه رویان بردارد و به اقصای خراسان که میان فرغانه و طبرستان است پرتاب کند و این تیر در موقع فرود آمدن به درخت گردوی بلندی گرفت که در جهان از بزرگی مانند نداشت و برخی گفته‌اند از محل پرتاب تیر تا آنجا که افتاد؛ هزار فرسخ بود و منوچهر و افراسیاب به همین مقدار زمین با هم صلح کردند و این قضیه در چنین روزی (تیرگان) روی داد و مردم آن را عید گرفتند." (بیرونی، ۱۳۲۱/۲۴۹)

اما ابوریحان اسطوره بنیاد دیگری را نیز برای پیدایی آیین تیرگان در "آثارالباقیه" ذکر می‌کند و ریشه آن را به آشنایی با کتابت، زراعت و فرمان‌روایی می‌رساند. «و سبب دوم آن است: "دهو فذیه" که معنای آن حفظ دنیا و حراست است و فرمانروایی در آن "دهقنه" که معنای آن عمارت دنیا و زراعت و قسمت آن است، با هم توأمند که عمر آن دنیا و قوام عالم به آنهاست و فساد عالم به آنها اصلاح می‌پذیرد و کتابت در آن مقترن به این دو می‌باشد. اما "دهو فذیه" از «هوشنگ» صادر شده و "دهقنه" را برادر او «وبگرد» رسم نموده و نام این روز تیر است که عطارد باشد که

ستاره نویسندگان است و در این روز بود که هوشنگ نام برادر خود را بزرگ گردانید و "دهقنه" را به او داد و دهقنه و کتابت یک چیز است و این روز را از راه اجلال و اعظام عید گردانید و در این روز هوشنگ مردم دنیا را امر کرد که لباس کُتاب بپوشند و دهقانان را نیز به همین کار امر کرد و از این روز ملوک و دهقانان و موبدان و غیر ایشان این لباس را پوشیدند و تا روزگار گشتاسب از راه اجلال کتابت و اعظام دهقانان این رسم باقی بود. (بیرونی، ۲۵/۱۳۲۱)

زکریا قزوینی در "عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات" ریشه جشن تیرگان را قحطی هولناک سلطنت فیروزه در دوره ساسانیان و توسل آن دعای شاهنشاه به درگاه خداوند و اجابت آن از سوی پروردگار می‌داند. (ر.ک. هویان، ۳۲/۱۳۵۰)

برهان قاطع نیز ریشه آیین مزبور را طلب باران می‌شمرد. (همان/۲۵)

صورت‌های آیینی کهن از جشن تیرگان

مجموعه آیین‌هایی که در مورد جشن تیرگان در کتاب‌های کهن ضبط شده است، ارتباط نزدیک با اساطیر این آیین دارد. در «زین الاخبار» درباره آیین‌های مذکور چنین آمده است:

«تیرگان، سیزدهم ماه تیر موافق ماه است. و اندر تیرگان پارسیان غسل کنند و سفالین‌ها و آتشدان‌ها بشکنند. و چنین گویند که: مردمان اندرین روز از حصار افراسیاب برستند. و هرکسی به سر کار خویش شدند. و هم اندرین ایام گندم با میوه بپزند و بخورند و گویند: اندرین آن وقت همه گندم پختند و خوردند و آرد نتوانستند کرد. زیرا که همه اندر حصار بودند و سر، شستن از بهر آن است که چنین گویند که چون کیخسرو از حرب افراسیاب بازگشت برچشمه فرود آمد، تنها خوابش فرو برد، پس بیژن بن گیو فرا رسید، او را خفته یافت آب بروی زد تا از خواب بیدار شد و اندر این روز غسل کردن میان ایشان به رسم بماند.» (روح الامینی، ۱۰۰/۱۳۷۶)

«و در این روز ایرانیان غسل می‌کنند و سبب آن است که چون کیخسرو از جنگ با افراسیاب برگشت، در این روز به ناحیه ساوه عبور نمود و به کوهی که به ساوه مشرف است بالا رفت و تنها خود او بدون هیچ یک از لشکریان به چشمه‌ای وارد شد و فرشته را دید و فی الفور مدهوش شد ولی این کار با رسیدن بیژن پسر گودرز مصادف شد و

قدری از آب چشمه بر روی کیخسرو ریخت و او را به سنگی تکیه داد و گفت: این پادشاه «ماندیش» و قریه العین را در آنجا ساخته و نام آن را «ماندیش» گذاردند و کم کم تخفیف یافت و اندیش شد و رسم اغتسال و شست و شوی به این آب و دیگر آب‌های عیون باقی و پایدار ماند از راه تیرک، و اهل آمل در این روز به دریای خزر می‌روند و همه روز را آب بازی می‌کنند.» (بیرونی، ۱۳۲۱/۲۵۰)

مقدسی، جغرافی دان نامی قرن چهارم، از برگزاری رسم و آیینی «در روز تیر از ماه تیر» (تیرگان) خبر می‌دهد که نشان دهنده در خواست مردم از کوه برای برآورده شدن آرزوهایشان در این روز است:

در حومه کاشان کوهی هست که آب مانند عرق از آن می‌چکد، ولی جریان نمی‌یابد و چون هر سال روز تیر از ماه تیر باشد، مردم در پای کوه گرد آیند و ظرف‌ها بیاورند. پس هر دارنده ظرف با یک دستک بر کوه کوبیده، می‌گوید: «برای فلان کار از آب خود به ما بیاشامان». پس هریک به اندازه نیاز بر می‌گیرد.

(مقدسی، ۱۳۶۱/ ۵۹۴ به نقل از روح الامینی ۱۳۷۶/۱۰۲)

پاشیدن آب هم از جمله آیین‌های دیگر مورد اشاره در «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» است. «ابری بر آمد و بارانی ببارید که مثل آن در آن عهد کسی ندیده بود و مردم در آن به هم‌دیگر آب می‌ریختند از غایت شادی و این از آن زمان باز عادت شد.» (قزوینی ۸۱/ به نقل از هویان، ۱۳۵۰/۳۲)

دکتر روح الامینی به آیین نادر و خاص اشاره می‌کند که «پیکولوسکایا» آن را در کتاب «شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان» با عنوان جشن شهر بگمود - تیرگان براساس رویدادنامه سریانی ادیابنه ثبت و ضبط کرده است. این آیین شگفت آور حکایت از حرکت گروه کثیری از مردم ادیابنه به سمت چشمه و آبگیری بزرگ می‌نماید: «این جشن در ماه ایار برگزار می‌شد و گروه کثیری مردم از اطراف و اکناف ادیابنه، کنار چشمه و آبگیر بزرگ آن گرد می‌آمدند؛ آن‌ها نخست، خود را در آبگیر می‌شستند، آن گاه می‌نشستند به تدارک خوراک می‌پرداختند و آن خوراک را به بردگان خود می‌دادند و تا زمانی که یکی از فرزندان خردسال خود را به درون آتش نمی‌افکندند، خود از آن خوراک نمی‌خوردند. آن‌ها جگر و قلوه‌های قربانی خود را بر می‌داشتند و به نشانه جشن از شاخه

درختی می‌آویختند. بعد تیره‌های بسیاری از کمان‌های خویش به نشانه شادی و سرور به سوی آسمان رها می‌کردند و سپس آن گاه به سوی خانه باز می‌گشتند.»

(پیکولوسکایا، ۱۳۶۷/۴۸۱ به نقل از روح الامینی، ۱۳۷۶/۱۰۳)

پ.ج. مسینا، ماجرای این جشن را با نوشته ابوریحان بیرونی پیرامون جشن تیرگان مقایسه کرده است، و پیکولوسکایا شرح این مقایسه و مشابهت‌های «شست و شو»، «پرتاب تیر»، «شکستن ظرف‌ها»، «قطعه قطعه شدن آرش»، «قربانی کردن کودک» و «تهیه خوراک» را اشاعه یک جشن می‌داند. این تحلیل در خور توجه است.

«مراسم جشن تیرگان را می‌توان با مراسم جشن شهر بگمود که ماه ایار در استان ادیابنه برگزار می‌شود مرتبط دانست. مراسم شست و شو در آبگیر شاید با ماجرای کیخسرو در چشمه سار و عادت شست و شویی که بیرونی از آن سخن داشت نزدیک و مرتبط باشد، پرتاب تیر به هوا، که به نشانه سرور و شادی صورت می‌گرفت، شاید با پرتاب تیر از سوی آرش رابطه‌ای داشته باشد. بیرونی از رسم شکستن ظرف‌ها در جشن تیرگان خبر داد ولی هیچ گونه توضیحی پیرامون این رسم و سنت ارائه نکرد. مقایسه این رسم و سنت با مطالب مندرج در روی‌دادنامه سریانی بسیار گویا به نظر می‌رسد. پس از آماده کردن خوراکی غیرعادی، ظرف‌های آشپزخانه را می‌شکستند. در ادیابنه کودک قربانی را به درون آتش می‌افکندند. این نکته مبهم است که چرا پس از این عمل، وسایلی را که همراه کودک بر روی آتش قرار می‌دادند، درهم می‌شکستند. بیرونی تنها از رسم نابود کردن ظرف‌های آشپزخانه آگاهی داشت. چنین به نظر می‌رسد که وی علت این کار را نمی‌دانست. هرگاه به این نکته توجه شود که در ادیابنه طی مراسم مذکور نخست کودک را به درون آتش می‌افکندند و آن گاه به صرف غذا می‌پرداختند، موضوع چگونگی انهدام کلیه وسایل آشپزخانه مشخص می‌شود. زیرا این اشیا و وسایل با قربانی کردن انسان ارتباط دارد. آرش پس از رها کردن تیر بر زمین افتاد و قطعه قطعه شد. کودک را به درون آتش می‌افکندند. آرش، جان خود را فدا کرد و محل سقوط تیرش درختی بسیار تناور بود. کودک را نیز قربانی می‌کردند و قلوه‌هایش را از شاخه درخت می‌آویختند.

ابوریحان از رسم پختن گندم و میوه در جشن تیرگان آگاه بود، این خاطره‌ای از دردها و مشقت‌های منوچهر بر مردم و به سبب خام بودن گندم و میوه به هنگام پیکار

با افراسیاب بود. بدین مناسبت پوشاک دهقنه و کشاورزان را برتن می‌کردند و محصول به صورتی ابتدایی، از جمله گندم و میوه پخته مصرف می‌شد. در داستان ارائه شده، نکته‌ای ناروشن است، نکته مزبور آن است که اهالی ادیابنه کنار آبگیر گرد می‌آمدند و به شست و شو و تهیه خوراک می‌پرداختند و به بردگان می‌دادند. آن‌ها خود تنها پس از افکندن کودک به درون آتش غذا می‌خوردند. به دیگر سخن خوراک بردگان مقدس نبود و مانند خوراک آزادگان با رسم و سنت قربانی رابطه‌ای نداشت. قربانی خود از مراسم دینی قبیله به شمار می‌رفت و مایه بستگی و ارتباط اعضای قبیله بود. از این رو بردگان با مراسم مذکور هیچ گونه رابطه‌ای نداشتند. این نکته که آزادگان خود غذا آماده می‌کردند و به بردگان می‌دادند، نموداری از وظیفه توزیع محصول در زمین و حاکی از نقش دهقنه بود.

معلوم می‌شود روایات مربوط به این جشن تا زمان بیرونی، باقی و بعضی مراسم در نظر افراد، نامفهوم و ناروشن بود. روی‌دادنامه سریانی که حاوی مطالبی از سده دوم میلادی است تصویری از پدیده‌های بسیار کهن و منسوخ چون قربانی کردن کودکان، پرستش درختان و تغذیه خاص بردگان به دست می‌دهد. رابطه مطالب روی‌دادنامه با نوشته بیرونی تا اندازه‌ای مشهود است.

(پیگولوسکایا، ۱۳۶۷/صص ۴۸۴-۴۸۵)

آیین‌های جشن تیرگان در زمان ما

بخشی از پژوهشگران و مردم شناسان در تحقیقات میدانی خود به ثبت و ضبط آیین‌های جشن تیرگان در زمان ما پرداخته‌اند. عمده‌ترین آیین‌های جشن تیرگان که در دهه‌های اخیر نیز رایج بوده است؛ شامل آداب و رسم‌های زیر می‌باشد:

فال کوزه

در این رسم آیین گزار اغلب دختر یا پسری نابالغ است که ظرف (و اغلب کوزه) را از آب چشمه یا قنات و گاه خانه همسایگان پر کرده و در حالی که سکوت اختیار کرده است، آن را به محل گردهم آمدن نیاز خواهان می‌برد. آنگاه هر یک، شیئی کوچک چون انگشتر، سنگ و... را در کوزه می‌اندازد. (زرتشتیان ایران در حالی که با پارچه‌ای سبز روی کوزه را

می‌پوشانند، آن را در زیر درخت مورد یا سرو قرار می‌دهند) سپس درحالی که یک تن شعر حافظ (در شرق گیلان و مازندران اشعار امیری پازاوری) را می‌خواند، هریک شیئی را از میان کوزه بر می‌دارد و باتوجه به شعر خوانده شده، فال خود را می‌فهمند. آیین فال کوزه در حوزه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی دیده می‌شود: زرتشتیان یزد، کرمان و بم، مازندران، شرق گیلان، کاریزات یزد و... .

کیله در گنتن گا (Kiladargentga)

پس از اجرای آیین «تیر ما سیزده» بیشتر افراد شرکت کننده در جشن از آن خانه بیرون می‌آیند و ماشه (=انبر) را بر می‌دارند و به حیاط پشت در اتاق خانه‌های آن آبادی می‌روند. انبر را میان دو پا می‌گذارند و با دو دست گوش‌های خود را می‌گیرند و نیت می‌کنند و آن گاه دست‌ها را از روی گوش بر می‌دارند. اولین حرفی که از داخل اتاق همسایه می‌شنوند نماینده نیت آنان است. این رسم در مازندران نیز با نام گوشداری یا گوشپاری رایج بوده است.

(ر.ک. پاینده، ۱۴۱/۲۵۳۵)

حافظ خوانی

در جشن تیرگان اهل خانه یا فامیل دورهم جمع می‌شوند، حافظ می‌خوانند و با شعر او فال می‌گیرند.

(ر.ک. روح الامینی، ۱۱۱/۱۳۷۶)

آیین لال شیش

قسمت عمده رسم آمدن لال است و در برخی از شهرها این مراسم را لال شو (شی لال) گویند. در این شب شخصی با لباس مُبدل، دستمالی به سر بسته و صورتش را سیاه می‌کند و مانند لال‌ها، باکسی حرف نمی‌زند. (در فرامرز کلا، کسی که بایستی لال باشد، در غروب آفتاب و در آب سرد رودخانه درکا می‌رفت که از شدت سرما قدرت صحبت کردن نداشته باشد.) این شخص را لال و لال مار و لال شیش (در بابل و داراب کلا) و لال شوش (در تنکابن) می‌گویند. و چند نفر او را همراهی می‌کنند. او وارد خانه‌ها شده

و با چوب و ترکه‌ای که در دست دارد، که به آن «شیش» گویند، ضربه‌ای به ساکنان خانه می‌زند. باور دارند که هرکس را بزند تا سال دیگر آن فرد مریض نمی‌شود. این زدن را شگون برای تندرستی می‌دانند و به او چیزی می‌دهند. (کیا، ۱۳۲۷/۳۹۰)

«... او (لال) مخصوصا به سراغ زنان نازا، حیوانات نازا، دختران شوهر نکرده، و درختان بی میوه می‌رود و با ترکه به آن‌ها می‌زند. یک نفر از حاضران پادرمیانی کرده و ضمانت می‌کند که مثلا: این زن یا آن درخت یا آن دختر را زن. من ضمانت می‌کنم که بردار شود، میوه بدهد، به خانه شوهر رود. صاحب خانه‌ها، به آنان شیرینی، گندم برشته، برنج، گردو یا خوراکی دیگر می‌دهند و آمدن لال را به خانه و کاشانه خود به فال نیک می‌گیرند. در فرامرز کلا، پس از رفتن لال، صاحب خانه ترکه را (که لال در همه خانه‌ها می‌گذاشت) در بین چوب‌های سقف خانه می‌گذاشت و معتقد بودند که برکت بام را زیاد و حیوانات موذی مثل موش، سوسک و... را دفع می‌کند. (ر.ک. روح الامینی، ۱۳۷۶/۱۱۱)

آب پاشان

این رسم در حوزه‌های فرهنگی مختلف ایران دیده شده است، آیینی که آن را با نام جشن نیلوفری (ابوریحان). و جشن سرشوری (گردیزی) می‌شناخته‌اند. شست و شوی تن و پاشیدن آب، هم از آیین‌های دیگر جشن تیرگان می‌باشد، این آیین در نزد آشوریان ایران به نو- سرد- ایل نام بردار است.

در «نوسردایل» آشوریان به منطقه سرسبزی در کنار رودخانه می‌روند و به یکدیگر آب می‌پاشند. خوراک مصرف کرده و جشن می‌گیرند. (ر.ک. روح الامینی، ۱۳۷۶/۱۱۲)

در نزد ارمنیان ایران نیز این آیین «وار داوار» نام دارد. در آیین «وار داوار» رسم آب پاشی نیز در کنار رسم‌های دیگر چون کبوتر پرانی و... رایج است. آنان در این روز به دامنه صحرا می‌روند. در نزد زرتشتیان ایران نیز این رسم را به شکلی گسترده باز می‌یابیم :

از بامداد روز جشن تیرگان، زرتشتیان سعی دارند بر یکدیگر آب بپاشند و کسانی که در روستاها زندگی می‌کنند به کنار چشمه‌ها یا جوی آب روان می‌روند و با شادی بیشتر، آب بر یکدیگر می‌پاشند.

در شهرهای بزرگ بعضی از خانوارها به خارج از شهر می‌روند به محلی که آب فراوان‌تر وجود داشته باشد تا مراسم آب ریزان را در کنار آب به آسانی انجام دهند.

(ر.ک. روح الامینی/ ۱۱۵)

گاه این رسم به ساختار سعی دیگر در آیین تیرگان ملحق می‌شود. برای مثال در «کاریزات یزد» آیین مزبور به فال کوزه می‌پیوندند.

اصناف (مسگران و ...) کاشان پیشتر در روز تیرگان جشنی به نام «لتویه» (Latty) داشتند که در آن به یکدیگر آب پاشیده و شادی می‌کردند. رسم آب پاشان در عصر صفویه از سوی مورخان و تاریخ نگاران دربار صفویه و سیاحان غربی ثبت و ضبط شده است.

(ر.ک. رجبی، ۱۳۷۵/ ص ۸۶-۸۵)

دو تن از اروپاییان، همزمان با هم، با پایان گرفتن بنای مسجد شیخ لطف اله در اصفهان شاهد جشن آبریزان بوده اند: «پیترو و دلاواله» جهانگرد ایتالیایی و «دن گاریهادوسیلوافیگوئروا» سفیر اسپانیا، از دربار شاه عباس. گزارش این دو، مخصوصاً به خاطر همانندی، بسیار جالب توجه است:

«مراسم جشن، در ماه ژوئیه، طرف عصر در انتهای خیابان چهار باغ، برابر پل الله وردی خان و در حضور شاه عباس و مهمانان خارجی و داخلی و اهالی پایتخت برگزار می‌شود. زن‌ها برای تماشا بالای پل می‌نشینند و شاه و مهمانان و بزرگان دربار در درون غرفه‌های پل، مردان در حالی که لباس‌های غیر معمول و کوتاه (شلوار تنگ و شب کلاه) پوشیده اند، به درون آب می‌روند و سپس روی یک دیگر آب می‌پاشند و برای اینکه بهتر از عهده این کار برآیند، هر یک ظرفی نیز همراه دارد. کار آب پاشی به انجام می‌رسد که ظرفها را به سوی یکدیگر پرتاب می‌کنند و سرهای بسیار شکسته می‌شود و گاه نیز چند نفر جان می‌بازند و شاه با دیدن زخمی‌ها و کشتگان دستور پایان جشن صادر می‌کند.

(ر.ک. رجبی، ۱۳۷۵/ ۸۶)

غسل و شست شوی

از رسم‌های رایج در جشن «تیرگان» غسل و شست و شو در رودخانه و آب روان است. در گیلان معتقد بودند که باید در آغاز سال در ایام پنجک به چشمه‌های مقدس رفته و خود را شست و شو دهند. این آیین در نزد زرتشتیان هنوز رایج است. در کرمان

و بم پیش از جشن تیرگان خانه و بیرون آن را جارو و تمیز می‌کنند و همه اهل خانه نیز سروتن را شست و شو می‌دهند. لباس نو می‌پوشند و شادی می‌کنند.

یکی از مراسم زیبای جشن تیرگان در میان زرتشتیان این بود که: «زنان و کودکان النگوهای هفت رشته از ابریشم‌های رنگارنگ، که باز نمای رنگین کمان بود، به مچ دست خود می‌بستند. در پایان جشن، به جایی بلند می‌رفتند و این النگوها را به هوا پرتاب می‌کردند تا باد آن‌ها را با خود ببرد.

در تیرگان رسم چنین بود که مردم به آب بازی می‌پرداختند. با یکدیگر شوخی می‌کردند و در سراسر روز یکدیگر را در آب فرو می‌بردند. این جشن را با همین شادی و خوشی هنوز در روستاهای زرتشتی ایرانی جشن می‌گیرند. گویی اهمیت فراوان باران برای کشاورزی بود که از تیرگان جشنی بزرگ ساخت و آن را نگه داشت.»

(بوسیم، ۲۱۹/۱۳۷۵)

جشن تیر و باد

جمشید سروش آیین مزبور را در نزد زرتشتیان این‌گونه ثبت کرده است :
«در این جشن از روز تیر (سیزدهم ماه) تا روز باد (بیست و دوم ماه) بند الوانی به دو دست یا به جایی از لباس می‌بندند و در روز باد در محلی بلند آن را به باد می‌دهند.
(سروشیان، ۱۳۲۵/ ۱۱۴)

کوروش نیک‌نام از این جشن در میان زرتشتیان این‌گونه سخن می‌گوید :
«بانوان و دوشیزگان نخ تیر و باد را به مچ دست می‌بندند. این نخ از هفت رنگ که شاید نشانه رنگ‌های رنگین کمان و آسمان باشد این نخ را در کرمان و بم «تیرو» می‌گویند و آن را در روز جشن تیرگان به مچ دست می‌بندند و آن را تا روز باد به دست دارند. در روز باد (ده روز بعد) نخ ابریشمی هفته رنگ را از دست باز می‌کنند و در جای بلندی مانند پشت بام می‌ایستند و آن را به باد می‌دهند. در کرمان کوچکترها این کار را با خواندن شعر انجام می‌دهند:

تیر برو باد بیا غم برو شادی بیا

محنت برو روزی بیا خوشه مرواری بیا

(ر.ک. نیک‌نام، ۷۹/۱۳۷۹)

هاشم رضی از جشن مزبور چنین روایت می‌کند :

«از مهم‌ترین چیزهایی که در این جشن تدارک می‌دیدند، بندی بود از تارهای هفت رنگ ابریشم یا نخ که با رشته‌ای از سیم زرین و نازک می‌بافتند. این بند را تیر و باد (Tir u Bad) می‌نامیدند. در این روز کله قند را در کاغذهای سبز رنگ بسته بندی کرده و در آن تیر و باد می‌بستند و به خانه تازه عروسان و نوزادان پیش کش می‌فرستادند. بامدادان روز جشن از کوچک و بزرگ و به ویژه کودکان این بند را به مچ دست می‌بستند و یا به جایی از پوشاک بند می‌کردند این بند را با خوشی و شادمانی تا روز پایان جشن یعنی باد روز (بیست و دوم تیر) با خود داشتند. آن گاه در روز مذکور بر بام خانه رفته، بند را باز کرده و با فریاد و بانگ شادمانی به باد می‌سپردند. این کردار اشاره‌ای دارد از عمل آرش کمانگیر که تیر را رها کرد و مرز ایران زمین تعیین شد که تیر نیز در روز باد بعد از ۱۰ روز می‌ایستد. (رضی، ۱۳۷۱/۶۲۲)

شال انگینی

در روز جشن تیرگان اغلب نوجوانان شالی را از روزنه بام بالای در و پنجره به درون اتاق می‌اندازند و اهل خانه در آن شیرینی و خوراکی یا پول می‌گذارند و آن را به درون خانه باز می‌فرستند.

در علمده (نور)، بچه‌ها با چوب دستی به در خانه می‌روند و چوب را به آن دستمالی می‌بستند به درون خانه می‌اندازند. اهل خانه دستمال مزبور را با خوراکی، آجیل و میوه پر کرده و از خانه بیرون می‌اندازد.

در شیرکوه بچه‌های محل ساقه جورابی را با نخ درازی بسته و به خانه‌ها می‌اندازد و صاحب خانه چیزی در آن گذاشته و آن را بیرون می‌اندازند.

برخی از مردمان ماها (از دهستان هیله رود بخش فیروزکوه) بر بام خانه دیگران می‌روند و از درون بام که به گویش ماهایی‌ها «دریچه» نامیده می‌شود، شال درازی را که بر سر آن یک دستمال بسته اند، درون اطاقی که آنان نشسته اند می‌اندازند، صاحب خانه از همان خوردنی‌هایی که برای مهمانان آورده است، در آن دستمال می‌گذارد و آن را می‌بندد، آن گاه کسی که بر بام نشسته و شال را فرو انداخته است، آهسته آهسته

شال را بالا می‌کشد. این رسم را که بیشتر آبادی‌های مازندران نیز معمول است «شال اینگنی» می‌نامند.

(ر.ک. روح الامینی، ۱۳۷۶/۱۱۲)

هدیه دادن

در مازندران در این شب برای نامزد خود به رسم هدیه چیزی می‌فرستادند که «سیزدهی» نام داشت معمولاً در این شب، شب نشینی بر پا کرده و نزد هم مهمان می‌شدند.

(همان/۱۱۳)

خوراکهای جشن

در جشن تیرگان طعام و خوراک خاص مصرف شده و می‌شود. این سنت از زمان‌های کهن تا زمان ما محفوظ مانده است، همچنانکه ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» به پختن میوه‌های کال و گندم و صرف آن اشاره نموده است.

(ر.ک. بیرونی، ۱۳۲۱/۲۴۹)

زرتشتیان در این روز، نقل، شیرینی، میوه‌ها و خوراک سنتی تناول می‌کنند.

(ر.ک. رضی، ۱۳۷۱/۶۶۱)

ملا مظفر نیز در نوروز طبری به تهیه سیزده گونه خوراک میوه و برپایی شب نشینی

اشاره دارد:

«در شب سیزده ماه مزبور در نور مازندران، در خانه خود بهترین غذاها را تهیه و

انواع میوه‌ها را بر سفره می‌چینند و شادی می‌کنند.»

(کیا، ۱۳۲۷/۲۴۸)

در آمل: «... خوراکی‌هایی تهیه می‌کنند که با لهجه محلی خارجی (خوارچی =

چیزهای خوب) گویند. این خوراکی‌ها عبارت است از انواع شیرینی‌ها که در خانه تهیه

می‌شود و ... شیرینی دستی به نام شامی نون (نون شامی) و شیرینی دیگری به نام

بشتزیک. علاوه بر شیرینی، انار، پرتقال، خربزه، هندوانه، ازگیل (مخصوصاً)، پسته، گندم

برشته، کشمش، گردو و تخمه جز و خارچی است.»

در فیروزکوه: «... بعد از شام، گندم و شاهدانه و گردو و سنجد و شیرینی و میوه و چای را روی کرسی می‌گذارند و افراد خانواده دور آن جمع می‌شوند.»

در داراب کلا (ساری): «... طبق سنن قدیم، پس از صرف شام، سیزده جور تنقلات مانند انگور، هندوانه، خربزه، سیب، نیشکر، ازگیل، مرکبات، کنجد حلوا، نخودچی، گندم برشته، گردو حلوا، کشمش و تخمه می‌خورند.»

در سنگسر: «... علاوه بر «شب چره» یعنی انار و انگور و سنجد و بادام و تخمه و امثال آن، به مناسبت سیزده باید غذایی پخت که از سیزده ماده خوراکی درست شده باشد (گوشت، آب، سبزی، برنج، عدس، نخود، نمک و ...) که آن را «سیزه چی» گویند.

در فراموزکلا: «... خوراکی به نام (پیسه- گندم) درست می‌کنند که ترکیبی از مغز گردو، آرد برنج، شکر یا عسل یا شیر خرمالوی جنگلی و به اندازه پرتقال است.»

(ر.ک. روح الامینی، ۱۱۰/۱۲۷۶)

از برگزاری جشن «تیرماه سیزه شو» که در کتاب «شرح بیت باب ملا مظفر» از آن به نام «نوروز طبری» یاد شده.

(ر.ک. کیا، ۲۴۸/۱۳۲۷)

در سوادکوه، سنگسر، شهمیرزاد، فیروزکوه، دماوند، بهشهر، دامغان، ماها، ساری، بابل، آمل، نوشهر، شهنسوار و طالقان خبر داریم. در شب سیزدهم آبان ماه، خانواده‌ها و خویشاوندان نزدیک در خانه بزرگ فامیل، جمع می‌شوند. این گردهمایی با پذیرایی و اجرای مراسمی که ویژه این شب است تا دیر وقت ادامه دارد.

(ر.ک. روح الامینی، ۱۰۹/۱۳۷۶)

مراسم جشن در مازندران

در بخش باختری مازندران (تنکابن، نوشهر، چالوس) از جشن آب و مراسم تیرماسیزه خبر داریم.

رسمی که تاچندی پیش برگزار می‌شد و صبغه ویژه‌ای داشت و در میان رسوم خاص تیرگان منحصر به فرد است و تردیدی باقی نمی‌گذارد که جشن تیرماسیتیزه شو پیوندی عمیق با آب و باران دارد.

بنا به روایتی که "جهانگیر دانا علمی" از این مراسم به دست داده است، شماری از مردم، روز پیش از سیزده تیرماه طبری (=۱۳ آبان ماه تقویم جلالی) با هم در خانه‌ای جمع می‌شوند. فرزند بزرگ خانواده، فرزند کوچک خانواده را بردوش خود می‌گرفت و درحالی که ظرف مسی (مخصوص آب) در دست می‌گرفت به سوی چشمه رهسپار می‌شد.

چون به سرچشمه می‌رسید، در برابر آب ترانه زیر را می‌خواند:

"آب گوید از بالاترین نقطه کوه می‌آیم.

و مقصد من دریاست. چطور از سنگ‌هایی که در مسیر من است بگذرم و سخن صد سال را من امشب برایت بگویم."

البته عامه مردم می‌پنداشتند که این ترانه جواب پرسشی است که از سوی آب می‌شد. آن گاه برادر بزرگتر ظرف مسی را درون چشمه فرو می‌برد و آن را پر از آب می‌کرد. در حالی که همانطور برادر کوچک‌تر بر دوش او بود به خانه بازگشت و در وسط اتاق می‌ایستاد. برادر کوچک‌تر این ترانه را می‌خواند که جواب برادر بزرگتر یا آب است:

"تیرماه گوید، سیزده من چرا این قدر سنگینه

آن کس که آب می‌آورد، فرزند اول مادریه

طلا و نقره درونش می‌ریزن

بهترین مکان، بهشت نازنینه"

آنگاه ظرف مسی را وسط اتاق می‌گذاشتند و اطرافیان هدیه‌هایی مانند انگشتر و سکه در آن می‌انداختند. بعد یک سوزن در آن می‌انداختند و کسی از زبان سوزن ترانه‌هایی را به آواز می‌خواند.

(دانا علمی، ۱۳۷۸ / صص ۹۷-۹۸)

تیشتر، ایزد ماه تیر

تیشتر که در واقع شعری یمانی یا "سیروس" (Sirius) یا ستاره باران است در نزد ایرانیان کهن نشانه خجسته‌ای از رحمت و امید به بارش، پرباری و باران بود.

«تیشتر» در فرهنگ‌ها به علتی فرشته باران ضبط است و بسا آن را به میکائیل ترجمه کرده‌اند. شاید به مناسبت آنکه تیشتر فرشته باران و فرشته ارزاق است، او را به

منزله میکائیل فرشته رزق دین یهود و اسلام پنداشته‌اند، چنانچه سروش مزدیسنا با جبرئیل یکی تصور شده است.

(ر.ک. پورداوود، ۳۲۵/۱۳۴۷)

در اوستا تشر همان فرشته باران است، تشر یا شعری یمانی در فصل‌های مرداد و شهریور به ویژه در آسمان ظاهر می‌شوند؛ «در بحبوه تابستان در فصلی که دل خاک از تشنگی چاک چاک، گیاه‌ها سوخته و درختان پژمرده شده و مردم چشم به بخشایش ایزدی و باران رحمت دوخته‌اند، تشر مانند پیک خدایی سر از گریبان افق به در کرده و مژده رحمت می‌رساند.»

(همان/۳۳۱)

با فراموشی محاسبه کبیر، تیرماه در تقویم ایرانی چندسده به آغاز فصل پاییز رسید.

(روح الامینی، ۱۰۵/۱۳۷۶)

البته این آیین هنوز در نزد زرتشتیان در سیزدهمین روز ماه تیر برگزار می‌شود.

(نیکنام، ۸۰/۱۳۷۹)

تیرگان، آیین باران و رحمت

امروزه آیین تیرگان را به جز از اقلیت‌های دینی ایران یعنی زرتشتیان، ارمنیان و آشوریان در نزد سایر مردم ایران مشاهده نمی‌نماییم. زیرا اقلیت‌های دینی ایران برای حفظ همبستگی و همنوایی قومی - مذهبی خود همواره سعی در زنده نگاه داشتن رسوم خود دارند. با نگاهی به آیین و رسوم جشن تیرگان در می‌یابیم که عناصری مثل آب، درخت، برای دست یابی به برکت و پرباری محصول بیش از پیش به چشم می‌خورند. آیین‌های تیرگان ارتباطی نزدیک با اساطیر آن دارند. برای مثال در مجموعه اساطیر بنیاد تیرگان به بیرون آمدن از محاصره افراسیاب و برپایی جشن و مصرف خوراک اشاره شده است. در آیین‌های تیرگان نیز، صرف خوراک، میوه‌ها و شیرینی دیده می‌شود. این امر از سوی دیگر شاید از این روست که اصولاً در آیین‌های مربوط به زراعت همواره مصرف خوراک وجود دارد. برای نمونه در این باره می‌توان به آیین جشن خرمن در ایران، جشن بوقلمون در کشورهای چین امریکا اشاره کرد.

(ر.ک. نیکنام، ۷۹/صص ۸۸-۸۹)

ارتباط آیین تیرگان و ابداع زراعت (دهقنه) در آثار الباقیه مورد اشاره ابوریحان بیرونی قرار گرفته است. جشن باران و آب در مجموعه آیین‌های متقدم و متاخر تیرگان دیده می‌شود. از یک سوی این امر با ویژگی‌های موکل ماه مزبور یعنی «تشر» که فرشته باران است، توجیه می‌پذیرد و از سوی دیگر در مجموعه اساطیر تیرگان یکی از مهمترین بنیادهای پیدایی این جشن طلب باران در ایام خشکسالی تابستان دانسته شده است. البته این امر را نیز باید در نظر گرفت که تغسیل و شست و شوی در آب با اصل تطهیر در آغازگاه معنوی (در اینجا جشن تیرگان) نیز می‌تواند مرتبط شود، آنچنان که در گیلان در ایام «پنجک» اعتقاد بر آن بود که باید به چشمه‌های مقدس برای غسل و شست و شو رجوع نمود.

در آیین «لال شیش» که با نام‌های «لال آب» و «لال شو» نیز معروف است، کودکان (روستای سمام) یا فردی که دستمال بر سر نهاده و خود را به صورت یک زن می‌آراید (لال مار) با ترکه‌ای که قدرت جادویی دارد، بر عناصر نازا چون زن و دام سترون ضربه‌ای می‌زند به این نیت که آنها را بارور نماید و یا با ترکه مزبور، ضربه‌ای به انبار محصول می‌زند تا انبار پر برکت شود. تجزیه نحوی ساختار این آیین ما را با عناصری چون کودک، ترکه درخت، آب و غسل در آن، سکوت و اقدام جادویی برای برکت و باروری روبه رو می‌سازد. آیا ریشه بهره جستن از شوش (ترکه) را باید در باورهای توتمینستی (توتم گیاهی) یا جادوی نوع (الگو) فرا جست؟

جالب آن است که بهره‌جویی از شاخه‌های مقدس را در آیین نهادن شاخه شمشاد در خزانه شالیزار (در گیلان) و ضربه زدن کوسه با ترکه در آیین «کوسه گردی» در آیین نوروز بر انبار محصول باز می‌یابیم که کارکرد آن نیز افزایش برکت و محصول است. جالب آن است که شوش (شاخه درخت) در هر سه آیین به نشانه برکت از سوی اهل خانه حفظ می‌شد.

به نظر می‌رسد که آیین «تیر و باد» از اسطوره پرتاب تیر از سوی آرش متأثر است با این تفاوت که بازنمایی این اسطوره در آیین‌های تیرگان با طلب خیر همراه گشته و فارغ از جنبه‌های حماسی خود است. هم چنان که به نظر می‌رسد در مراسم شهر «ادیا بنه» صورتی دیگر از آیین مزبور را در هم آمیزی با اسطوره قربانی مشاهده می‌نماییم. جشن تیرگان به دو بخش تیرگان کوچک و تیرگان بزرگ (زمان پرتاب تیر و فرود آمدن

آن، سیزدهم و چهاردهم تیرماه) تقسیم می‌شده است و عیناً این دو تقسیم بندی را در آیین «تیر و باد» نیز ملاحظه می‌کنیم.

از عناصر مهم دیگر تیرگان رجوع به آثار برخی از قهرمانان فرهنگی نوین ایران چون حافظ برای پیش خوانی آینده است. خواندن شعر فردوسی، حافظ، امیر پازاواری از این دست است.

در مجموع با نگاهی به آیین تیرگان به نظر می‌رسد که عمده ترین گفتاری که از گزاره‌ها و سمبولیسم آیینی تیرگان استخراج می‌شود، طلب باران، برکت و خیر در آغازگاه یک فصل معنوی و آیینی است و آیین‌های مزبور، بازنمایی اساطیر مربوط به تیرگاه و فرشتگان آن است.

(ر.ک. الیاده، ۷۵/۱۳۷۸)

با وجود اهمیتی که حماسه آرش در فرهنگ باستانی ما دارد، در شاهنامه اثری از او به چشم نمی‌خورد، هرچند در اوستا از وی با نام «ارخش» و صفت «سخت کمان، دارای تیر تیزرو» که در زبان فارسی به صورت آرش کمانگیر ضبط شده است. دریکی از پشت‌ها اوستا سرعت رفتن «تشت» به شتاب تیر آرش تشبیه شده و خلاصه ماجرای آرش به این صورت آورده شده است:

«تشت را می‌ستاییم که شتابان به سوی دریای فراخکرت بتازد، چون آن تیر که آرش تیرانداز، بهترین تیرانداز ایرانی از کوه بینداخت ... آن‌گاه آفریدگار بدان دمید، پس آنگاه ایزدان آب و گیاه و مهر آن را راهی پدید آوردند. نکته جالب دیگر اینکه تشت که برخی او را با ستاره «شعرا یمانی» یکی می‌دانند، به قول اوستا: در هر روز یا هر شب دیو خشکسالی از اینجا و آنجا سر می‌زند و نیروی زندگی جهان مادی را یکسره درهم می‌شکست.»

(پورداوود، ۱۳۴۷/بند ۵۴)

و از سوی دیگر افراسیاب (به معنی کسی که به هراس می‌افکند) نیز در نظر برخی از اسطوره شناسان معاصر نماد قحطی و خشکسالی است که بر سرزمین ایران حمله می‌آورد. نکته آخر این که بسیاری از آیین‌های باستانی نیاکان ما پس از پذیرش دین مبین اسلام هم‌چنان باقی ماند، اما در مواردی رنگ و لعابی از دین تازه گرفت، از جمله همین مراسم تیرگان که در روایت بعضی از مناطق ایران زمین به عنوان شب میلاد حضرت امیرالمومنین علی (ع) تعیین شده چنان که در سرودهای عامیانه (فولکلوریک) شان

آمده است که: «تیرماه سیزده شو، علی به دینا بیمو-خلعت علی از عرش علا بیمو. یعنی: شب سیزدهم تیرماه علی دنیا آمد- خلعت علی از عرش اعلا آمد.» (پیران، ۱۳۸۲ / ۱)

فهرست منابع

- ۱- الباده، میرجا، ۱۳۷۸، اسطوره بازگشت جاودانه، ترجمه بهمن سه کاراتی، تهران، انتشارات نیما.
- ۲- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۵۷، التفهیم، مصحح: جلال الدین همایی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی ایران
- ۳- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۲۱، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، اکبر دانا سرشت، تهران، کتابخانه خیام.
- ۴- بویس مری، ۱۳۷۵، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات توس.
- ۵- پاینده محمود، ۲۵۳۵، آیین‌ها و یادداشتهای گیل دیلم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۶- پورداد، ابراهیم، ۱۳۴۷، یشتها، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۷- پیران، خسرو، ۱۳۸۲، چند نکته در باره جشن تیرگان، نشریه اطلاعات.
- ۸- پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، شهرهای ایران در زمان پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت اله رضا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- دانا علمی، جهانگیر، ۱۳۷۸، آرش یا سیوار تیر، در کتاب اباختر، زیر نظر سیروس مهدوی، ساری.
- ۱۰- رجبی، پرویز، ۱۳۵۷، جشن‌های ایرانی، تهران، انتشارات قزوین.
- ۱۱- رضی، هاشم، ۱۳۷۱، گاه شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران، انتشارات بهجت.
- ۱۲- روح الامینی، محمود، ۱۳۷۶، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران، تهران، انتشارات آگه
- ۱۳- سروش سروشیان، جمشید، ۱۳۲۵، فرهنگ بهدنیان، تهران، چاپخانه دانشگاه.
- ۱۴- کیا، صادق، ۱۳۲۷، واژه نامه طبری، انتشارات تهران، دانشگاه تهران
- ۱۵- نیکنام، کورش، ۱۳۷۹، از نوروز تا نوروز، آیین‌ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران، تهران، انتشارات فروهر.
- ۱۶- هویان، آندرانیک، ۱۳۵۰، جشن تیرگان یا آبریزگان و رد پای آن در دگر نقاط جهان، هنر و مردم، شماره ۱۱۰، آذرماه.